

خبرها

ثبت‌نام ۹۴ هزار و ۷۰۰ زائر حج تمتع از امروز آغاز می‌شود

فارس : رئیس سازمان حج و زیارت اعلام کرد: اسامی بر اساس توافق با وزارت حج عربستان ۹۴ هزار و ۷۰۰ زائر ایرانی برای انجام مناسک حج واجب اعزام می‌شوند که ثبت‌نام این افراد از ششم مردادماه آغاز می‌شود. وی گفت: سهمیه اسامی نسبت به سال گذشته ۲هزار نفر افزایش داشته و بر اساس تعداد زیاد ثبت‌نام شدگان درخواست ۵هزار نفری تعداد زوار ایرانی تقدیم وزارت حج عربستان شده است که مسئولان حج و زیارت توقع دارند با این پیشنهاد موافقت شود. وی اظهار داشت: همه کسانی که تا بهمن ماه سال ۸۱ برای تشرّف به حج ثبت‌نام کرده‌اند می‌توانند با مراجعه به مدیران کاروان‌ها نام‌نویسی کنند.
زرهانی افزود: مجموع زائران ایران اسامی در قالب ۵۴۶ کاروان طرف دو هفته از شانزدهم آذرماه به سرزمین وحی اعزام می‌شوند و بعد از اقامت حدود ۲۹ روزه از ۱۵ دی ماه به وطن خود برمی‌گردند. معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: مشخصات مدیران کاروان فردا از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار به اطلاع مردم خواهد رسید و زائران نیز با توجه به تمکّن مالی و سابقه کاروان‌های خود را انتخاب می‌کنند. وی با اشاره به پرداخت سودسیده گذاران در سه سال گذشته خاطرنشان کرد: در این مدت بیش از ۱۲۰۰ میلیارد تومان سود سپرده‌های داوطلب ثبت‌نام برای حج واجب پرداخت شده است. زرهانی در همین ارتباط از پرداخت حداقلی ۵۶۰ تا ۸۶۰ هزار تومان متناسب با زمان نگهداری وجوه در بانک‌های کشور خبر داد. وی از تأمین از مورد نیاز زائران ایرانی نیز خبر داد و یادآور شد: اسامی ۱۲۰ میلیون دلار برای تأمین هزینه مسکن، حمل و نقل، پشتیبانی و درمان زائران هزینه می‌شود.

رفع معضل بیکاری نیازمند عزم ملی و ارتقای فرهنگ کار است

ایرنا: وزیر کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد رفع معضل بیکاری در کشور نیازمند عزم ملی و ارتقای فرهنگ کار است. «اسدیمحمد جهرمی» افزود: اولویت وزارت کار در سال جاری پیگیری موضوع فرصت‌های شغلی است به طوری که ایجاد شغل در کشور نیاز به هماهنگی همه سازمان‌ها و مردم دارد. وی تصریح کرد کاهش نرخ بیکاری به تنهایی از عهده هیچ وزارتخانه‌ای حتی از عهده دولت برنمی‌آید، مگر آنکه همه قوا در کنار مردم تلاش کنند. وزیر کار و امور اجتماعی با تأکید بر اینکه کاهش نرخ بیکاری نیاز به عزم ملی و ارتقای فرهنگ کار در کشور دارد، افزود: فرهنگ کار از مجموعه برآیند رفقاری، ارزشی، سختکوشی، انضباط و وجدان کار در یک جامعه حاصل می‌شود که تلفیقی از میزان کیفیت، بهره‌وری، شایستگی و توانایی انجام کار است. به گفته جهرمی هر کشوری که از فرهنگ بالای کار برخوردار باشد میزان بیکاری کمتری دارد. وی با اشاره به تحول فرهنگ کار در کشور اظهار داشت: ارتقای کیفی و کمی سطح مهارت با برنامه‌ریزی‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور بیش از سه برابر سال گذشته شده است. وی افزود: برای آموزش فنی و حرفه‌ای در کشور از آموزشگاه‌هایی در بخش‌های دولتی و خصوصی استفاده می‌شود و اجرای طرح «هجرت» برای روستائیان نیز در همین راستا است. جهرمی تعداد آموزش دیدگان مهارت را برای اسامی حدود سه میلیون نفر پیش بینی کرد و گفت: افرادی که خواهان آموزش مهارت هستند بخشی از آن جویندگان کار بوده و بخشی دیگر نیروی کار فعلی است که برای ارتقای سطح کیفیت کار خود به این نوع آموزش‌ها روی می‌آورند. وزیر کار در خصوص کارگران ساختمانی یادآور شد، برنامه‌ریزی‌های طراحی شده برای بخش ساختمان به گونه‌ای است که طی چند سال آینده کارگری نمی‌تواند بدون کارت مهارت فعالیت کند. وی تصریح کرد: با توجه به اینکه ایران در منطقه زلزله‌خیز قرار دارد، ضروری است در مهارت‌ثیری کار به‌خصوص در بخش ساختمان تلاش بیشتری انجام شود. جهرمی سپس با اشاره به افزایش مهارت در دیگر سطوح تحصیلی ابراز امیدواری کرد، با رشد مهارت در جامعه و نشست‌هایی که با مسئولان آموزش عالی و آموزش پرورش انجام می‌شود بتوان در مجموعه آموزش کشور نظیر آموزش‌های عمومی، عالی و علمی – کاربردی معطوف به بازار کار با آموزش مهارت به جوانان، مشکلات بیکاری را کاهش داد.

چهارم

مخدوش ساختن نام خلیج پارس ادامه می‌یابد

نام خلیج پارس در ترکیه: خلیج بصره

پژمان اکبرزاده*

pejman.akbarzadeh@gmail.com



خلیج فارس و دریای عمان همایش شش روزه با عنوان «سخن و دیدار از کتاب و اسناد فرهنگی: همراه با نویسندگان و پژوهشگران خلیج فارس» در خانه نمرندان تهران برگزار کرد. به‌رغم تبلیغات نسبتاً گسترده در رسانه‌های این کشور نیز اندک‌اندک به همین روش متوسل شدند. با این همه گهگاه عبارت Arabian Gulf هم در نوشته‌هایشان دیده می‌شود و زمانی که مورد اعتراض قرار می‌گیرند تا چندین روز که خبر در صفحه اصلی تارنما قرار دارد تغییری در آن نمی‌دهند ولی زمانی که خبر راهی پایگانی می‌شود و دیگر خواننده‌ای ندارد به معترضان می‌نویسد: «سیاست ما کاربرد Persian Gulf است و تعجب می‌کنیم که چنین اشتباهی روی داده است(!) از تصحیح خواهیم کرد. . . . که البته «تصحیح» از نظر آنها یعنی کاربرد یک نام نامفهوم دیگر و گاهی هم اساساً تغییری در نوشتار مورد نظر داده نمی‌شود. این موضوع تنها به رسانه‌های بریتانیایی محدود نمی‌شود. وزارت دفاع این کشور نیز در بخش‌هایی از تارنمای خود از نام ساختگی «خلیج عربی» بهره می‌جوید. باری شاو (سریدبر بخش اخبار این تارنما) در پاسخ به اعتراضات تنها می‌گوید: «نام‌های خلیج پارس و خلیج عربی هر دو رایج هستند. . . .»

روشن نیست از چه رو مقام‌های ایرانی برای چنین مسئله‌ای که سال‌ها است در دنیای خارج رخ داده و می‌دهد تنها در قضیه نشنال‌جنوگرافیک– آن‌ هم با فشار افکار عمومی – واکنش کوچکی نشان دادند؟ تکلیف‌دیگر نهاده‌ها و رسانه‌هایی‌که از نشنال‌جنوگرافیک بسیار مقصرت هستند و همچنان در لطمه زدن به هویت تاریخی خلیج پارس پافشاری می‌کنند چیست؟ مسئولان آنها را نمی‌بینند؟ نمی‌خواهند ببینند؟ یا اینکه ترجیح می‌دهند تا برگزاری چند نمایشگاه و سخنرانی نه چندان پرمخاطب و بی اثر در داخل کشور وانمود کنند به موضوع حساسند؟

تماس با اطلس‌های معروف جهان و بنیادهای خبری بین‌المللی یکی از ساده‌ترین و موثرترین راه‌هایی است که در این زمینه به ذهن هر کسی می‌رسد ولی هیچ اقدامی در این راستا مشاهده نمی‌شود. مایه تأسف است که حتی همین همایش‌های داخلی هم چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. در دی‌ماه سال گذشته انجمن محیط‌زیست

شد که نظر به عدم استقبال و پوشش اندک آنچنان که باید موثر واقع نشد. گذشته از کشورهای غربی مخدوش‌سازی نام خلیج پارس در کشورهای اروپایی نیز همچنان ادامه دارد. مانی روزنامه‌های پرخواننده کشور در پرازدحام‌ترین شب از این همایش حدود چهل نفر از ساکنان پایتخت ده میلیون نفری مادر آن شرکت جسته بودند. نحوه انعکاس آنچه سخنرانان به زبان آوردند در تارنمای انجمن از این هم تأسف‌بارتر بود. پروفیسور محمد علاء (استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا و مدیر سازمان اینترنتی خلیج پارس Persian Gulf Online) در همان همایش متذکر شد: «این سازمان در نامه‌ای سرگشاده به دولت ایران آکه در روزنامه شرق نیز به چاپ رسید»! برای روز ملی خلیج فارس سالروز بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه را

پیشنهاد کرد اما مظاهر آنها از این پیشنهاد خوششان نیامد و روز دیگری را بدین‌منظور برگزیدند»! حال آن‌که در تارنمای همایش از قول او نوشته شد: «ما در یک زمان معین بین ساعت ۱ تا ۲ حدود دو هزار ای میل فرستادم برای بی‌بی‌سی تا یک روزی را به عنوان خلیج فارس که ۹۰۴ بود انتخاب کردیم. آنها این روز را دوست نداشتند و روز دیگری را انتخاب کردند. «روشن نیست که تغییرات فاحش در انعکاس سخننان وی از بی‌توجهی گزارشگران برنامه ناشی شده و یا سیاست‌های محافظه‌کارانه گردانندگان همایش که در هر حال جدا مایه تأسف است. یکی از شگفت‌انگیزترین اشتباهاتی نیز که در عنوان انگلیسی یکی از خبرنامه‌های این همایش به چشم می‌خورد کاربرد عبارت Fars Gulf به جای Persian Gulf بود. هنوز حتی قادر به ترجمه درست نام خلیج پارس به انگلیسی نیستیم. به هر روی مباحث جالبی در برخی از سخنرانی‌های همایش مطرح

نکته

شماری از کشورهای عربی با نامگذاری کردن تعدادی از دانشگاه‌ها، تیم‌های ورزشی و . . . که با دلارهای نفتی به شدت در پی مطرح کردن آنها در مجامع جهانی هستند به دنبال رایج ساختن نام جعلی «خلیج عربی» در کشورهای گوناگون‌اند، از آن جمله: «دانشگاه خلیج عربی» در دبی که در واقع یک تیم وارداتی است و در میان بازیکنان آن کمتر کسی پیدا می‌شود که عرب باشد! نفرت از ایرانیان در برخی از محافل و تارنماهای کشورهای عربی چنان خودنمایی می‌کند که حتی در ارائه اطلاعات جغرافیایی از کاربرد نام «ایران» هم خودداری می‌شود.

(نام تاریخی زبان پارسی در هلند می‌شود. بارها درصد برآرمد تا از سفارت ایران در هلند برای اینگونه موارد کمک بگیرم ولی تلفن سفارت همواره روی پیامگیر است و به صورت حضوری نیز باید مدت‌ها در یک صف طولانی ایستاد تا از پشت شیشه با آنها صحبت کرد! نمی‌دانم در چنین شرایطی که نه جامعه مهاجر ایرانی در هلند برای واکنش ابراز علاقه می‌کند و نه سفارت ایران، چه باید کرد. . . .»

شماری از کشورهای عربی نیز با نامگذاری کردن تعدادی از دانشگاه‌ها، تیم‌های ورزشی و . . . که با دلارهای نفتی به شدت در پی مطرح کردن آنها در مجامع جهانی هستند به دنبال رایج ساختن نام «خلیج عربی» در کشورهای گوناگون‌اند، از آن جمله: «دانشگاه خلیج عربی» در منامه و «تیم راگبی خلیج عربی» در دبی که در واقع یک تیم وارداتی است و در میان بازیکنان آن کمتر کسی پیدا می‌شود که عرب باشد! نفرت از ایرانیان در برخی از محافل و تارنماهای کشورهای عربی چنان خودنمایی می‌کند که حتی در ارائه اطلاعات جغرافیایی از کاربرد نام «ایران» هم خودداری می‌شود. نوشته‌های تارنمای sheikhmohammed.co.ae در امارات تنها یک نمونه از این گونه برخورد‌ها است: «خلیج عربی میان شبه‌جزیره عربستان و آسیای جنوب غربی واقع شده است!» که به نظر می‌رسد رسانه‌ها و مراکز دانشگاهی آمریکایی اکنون تنها مراکز و رسانه‌های جهان هستند که تقریباً در همه موارد از عبارت Persian Gulf بهره می‌جویند ولی در شعبه‌های دانشگاه‌های آمریکایی در امارات Persian Gulf برای جلوگیری از ناخشنودی دولتمردان این کشور از کتاب‌های درسی معمولاً حذف می‌شود. از دیدگاه دولتمردان امارات همه چیز در منطقه از خلیج و جزیره‌گرفته تا معمار ی و غذا باید «عرب» نامیده شود! به نظر نمی‌رسد با چنین سیاست‌ها و رفتارهای افراطی و غیرمنطقی، اقتصاد چنین کشوری که حتی خاک باغچه‌ها و ماسه سواحلش از ایران وارد می‌شود؛ میراث معماری ایران را در طراحی ساختمان‌هایش به تاراج می‌برد و کارکنان بخش‌های مهم تخصصی‌اش را اغلب بیگانه‌گان تشکیل داده‌اند به همین شکل به ظاهر پویا و موفق باقی بماند. بسیاری از استادان اقتصاد در همان دانشگاه‌های آمریکایی

سال سوم ■ شماره ۸۲۰ *شرق*

بازتاب

درباره سد خاکی سیوند

شرکت مدیریت منابع آب ایران از سوی وزارت نیرو به دو مطلب در جست‌وجوی راه نجات در تاریخ ۸۵/۳/۲۸ و سدی که جهانی شد در تاریخ ۸۵/۴/۱۷ اعتراض کرد. در توضیح شرکت مدیریت منابع آب ایران آمده است:

– سد خاکی سیوند در ۱۰۰ کیلومتری شمال شیراز در محل تنگه بلاغی بر روی رودخانه سیوند و با پیشرفت فیزیکی حدود ۹۰ درصد در حال احداث است. عملیات اجرایی از سال ۷۱ آغاز شده و قبل از شروع عملیات، موضوع احداث سد به اطلاع مسئولان میراث فرهنگی استان فارس رسیده و مدیران میراث فرهنگی منطقه نیز در مراحل ساخت به کرات از عملیات بازدید کرده‌اند و از نزدیک در جریان امور قرار دارند.

– درباره موضوع به زیر آب رفتن مقبره کوروش و با سازه باستانی «دخترپر» که در ارتفاعی پایین‌تر از مقبره قرار گرفته و این که در زمان طراحی سد به موضوع زیر آب رفتن دشت پاسارگاد و مقبره کوروش توجهی نشده و تراز تاج سد با قاعده مقبره کنترل نشده، ذکر توضیح زیر لازم است:

– واقعیت این است که تراز آب سد در بالاترین رقوم سیلابی (تراز سرریز در ۱۸۲۱/۵ متر از سطح دریا)، ۳۵ متر پایین‌تر از مقبره کوروش قرار می‌گیرد. این در حالی است که تراز نرمال سد در ۱۸۱۳ که آب در ۹۰ درصد موارد در آن تراز و حتی پایین‌تر از آن قرار می‌گیرد، ۴۳/۵ متر پایین‌تر از تراز قاعده مقبره است.

– سطح آب زیرزمینی دشت پاسارگاد، دشتی که مقبره در آن واقع شده است، از هزاران سال پیش و حتی در زمان ساخت مقبره، توسط آب رودخانه سیوند کنترل شده است. طی قرن‌ها دو شاخه اصلی رودخانه سیوند در بالا دست و پائین دست مقبره در جریان بوده و این امر همچنان استمرار دارد. به همین دلیل اصولاً سطح آب در دشت مذکور در عمق کمی از سطح زمین واقع است.

بالاترین تراز مخزن سد در تراز ی بسیار پایین‌تر از سطح آب زیرزمینی دشت است و هیچ تأثیر هیدروژئولوژیکی بر سفره آب زیرزمینی دشت پاسارگاد ندارد.

– در داخل دشت بلاغی که در آینده نزدیک دریاچه سد سیوند خواهد شد تیم‌های باستان‌شناسی متعددی از کشورهای مختلف به دعوت سازمان میراث فرهنگی و یادولطبلبانه به بررسی‌های باستان‌شناسی ادامه داده‌اند. اهمیت یافته‌های این اکتشافات چقدر است، امری است که باید مسئولان میراث فرهنگی کشور و مدیران تیم‌های باستان‌شناسی در مورد آن اظهار نظر کنند.

ولی در مذاکرات نزدیکی که با سرپرستان این تیم‌ها به عمل آمده، عمدتاً موضوع بررسی‌های کلاسیک باستان‌شناسی و مستندسازی‌های تاریخی مطرح بوده است. به مدد کاوش گسترده و پیگیری که این مورد به عمل آمده تقریباً تمام دشت‌ها کاویده شده و اکنون جز تحلیل نتایج این جست‌وجوها برنامہ دیگری باقی نمانده است. خوشبختانه در جریان حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسانه، شرکت آب منطقه‌ای فارس با سازمان میراث فرهنگی، تیم‌های کاوش و مدیران میراث فرهنگی منطقه هماهنگی و همراهی کامل داشته و هزینه‌های تیم‌های کاوش اعم از اسکان، حمل و نقل و تغذیه آنها را متقبل شده و در صورت نیاز به همراهی بیشتر آمادگی خود را اعلام نموده است.

– در همین زمینه، به بخشی از اظهارات «فرانسیسکو باتدینر» مدیر مرکز میراث جهانی یونسکو، در دیدار با مسئولان سد سیوند اشاره می‌شود که خبرگزاری میراث فرهنگی در تاریخ ۸۵/۳/۲۸ از آن منتشر کرده است:

«مدیر مرکز میراث جهانی در سفر یک‌روزه خود به شیراز، عملیات نجات بخشی آثار پشت سد سیوند را نمونه‌ای بسیار عالی و تنها کاوش گسترده در سطح جهان توصیف کرد.» (به نقل از WWW.chn.ir)
– ساخت سد سیوند دو هدف عمده را دنبال می‌کند. یکی کنترل سیلاب‌های سرکش رودخانه سیوند در فصول زمستان و بهار است که دشت‌ها را زیردست و به‌خصوص دشت حاصلخیز کرمان را تهدید می‌کند. از سوی دیگر آب تنظیمی سد هزاران هکتار از اراضی کم‌آب و بی‌آب دشت توابع ارسنجان را مشرب خواهد ساخت.

در دشت توابع ارسنجان، آب شور دریاچه مجاور دشت به سفره آب زیرزمینی نفوذ کرده و شدت شوری آب کشاورزی از مرزهای بحرانی فراتر رفته است. تنها امید مردم محروم منطقه و تنها راه جلوگیری از مهاجرت سکنه صدها روستا و آبادی رسیدن آب شیرین سد سیوند به این مناطق است و این ضرورت انکارناپذیر است که طراحی و ساخت سد سیوند را از سده‌ها قبل از انقلاب در دستور کار وزارت نیرو قرار داده است.

– تاکنون پیشرفت فیزیکی ساخت سد و سازه‌های مرتبط با آن از مرز ۹۰ درصد فراتر رفته است و انشاءالله به زودی شاهد به ثمر رسیدن تلاش‌ها و آگیری سد خواهیم بود و به زودی آب سد از طریق کانالی که هم‌اکنون در میانه دشت سیدان در دست احداث است، به دشت‌های کم‌آب منتقل خواهد شد.

در خاتمه امید است که با حمایت بیشتر سازمان میراث فرهنگی – که پرشتاب و فراگیر به کار کاوش در دشت بلاغی اقدام نموده و با نجات‌بخشی آثار و مستندسازی آنها، حلقه مفقوده اطلاعات ضروری بین‌همگنشیان و مسائیان را کشف کردند- و با آگیری سد، معیشت مردم حاشیه دریاچه طشک که تمدن زنده منطقه را ساخته‌اند، تأمین شود.

بر این باورند که این رونق پوشالی و ظاهری همچو حیایی خواهد کرد.

از همسایه‌های جنوبی گذشته و سری به همسایه شمالی باختری می‌زنیم. کشوری که نام ترکی خلیج پارس (فارس کورفوزی) تقریباً از آن رخت بر بسته و سال‌ها است که نام «خلیج بصره» در آن به کار می‌رود! موضوعی که کمتر کسی در ایران از آن باخبر است. ظاهراً این کاربرد به زمان صفویان و جنگ‌های امپراتوری ایران و عثمانی بازمی‌گردد. دوره‌ای که زمامداران عثمانی بر پایه خصومت پیش آمده با همسایه خاوری خود و همچنین ناآگاهی جغرافیایی به کاربرد چنین نامی دامن زدند. سیروس علایی در کتاب «نقشه‌های عمومی ایران» (General Maps of Persia) که به تازگی در هلند به چاپ رسیده می‌نویسد: «نقشه‌نگاران عثمانی علاقه ناچیزی به ترسیم نقشه‌های ایران نشان دادند و خود را به کپی کردن تعداد اندکی از نقشه‌های متون و نقشه‌های ترکی، به نام کورفوزی» (خلیج بصره) برای بخش شمال باختری خلیج پارس و نامحموس – محدود ساختند. « یکی از معروف‌ترین نقشه‌های ترکی از ایران توسط ابراهیم متفرغه در سال ۱۷۲۹ میلادی در قسطنطنیه ترسیم شده که در آن نام «بصره کورفوزی» (خلیج بصره) برای بخش شمال باختری خلیج پارس و

نام «بحر فارس» در مرکز این آبراه نوشته شده است. ولی «بصره کورفوزی» اکنون در رسانه‌های ترکیه به گسترده‌گی به کار برده می‌شود. بیش از سه ماه پیش در نامه‌ای به سفارت ترکیه در تهران این پرسش را مطرح ساختم که «در متون و نقشه‌های ترکی، به نام گوناگون برای خلیج پارس دیده می‌شود: بصره کورفوزی، فارس کورفوزی و ایران کورفوزی. سیاست رسمی دولت ترکیه برای نامیدن این آبراه در زبان ترکی چیست؟» نامه سه بار به صورت نامی و از طریق پست به سفارت ترکیه ارسال شد ولی سفارت از ارائه هرگونه پاسخی خودداری کرد. در سفارتخانه جمهوری اسلامی در آنکارا نیز وضع چندان بهتر نبود. سازمان‌های دولتی هر کشور نشانی ای میل خود را بر روی تارنمای همان سازمان با دست‌کم یک تارنمای دولتی ایجاد می‌کنند ولی نشانی ای میل سفارت ایران در ترکیه بر روی سایت Hotmail درست شده بود! درصد برآرمد تا از طریق همان آدرس، نظر آنها را نیز درباره موضوع مورد بحث جویا شوم ولی نامه پس از چند تاخیر برگشت خورد. ظاهراً ای میل سفارت مدتی مدید به کار برده نشده بود و طبعاً از میان رفته بود!

در جست‌وجوی عبارت «بصره کورفوزی» در Google حدود سی و پنج هزار نتیجه به دست می‌آید حال آنکه جست‌وجوی «فارس کورفوزی» تنها به حدود پانصد نتیجه منتهی می‌شود، آن هم بیشتر در تارنماهای ایرانی به زبان ترکی همچون بخش ترکی ایرنا و صدواسمیما. بسیاری از سایت‌های خبری و دولتی همچون انجمن تاریخ ترکیه (ttk)، تارنمای دفتر نخست‌وزیری، بخش ترکی صدای آمریکا، نشریه زمان، وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه، روزنامه حریت، بخش ترکی تارنمای نشنال‌جنوگرافیک، بخش ترکی شبکه سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی و . . . نیز به گستردگی از عبارت «بصره کورفوزی» استفاده می‌کنند. پیروز مجتهدزاده متخصص علوم سیاسی، از دیدگاهی دیگر این مسئله را می‌بیند: «در زمان رقابت امپراتوری‌های عثمانی و صفوی، از نظر جغرافیایی سیاسی، خلیج فارس همواره در داخل قلمرو ایران بوده است، پس از درگذشت کریمخان، عثمانیان موفق شدند به میان‌رود (بین‌النهرین) دست پیدا کنند و برای نخستین بار از راه بصره به خلیج فارس راه پیدا کردند ولی از آنجا که رقابت‌های سیاسی و استراتژیک میان عثمانی و ایران ادامه یافت این رقابت در این آبراه به شکلی کاملاً ژئوپولیتک درآمد و عثمانیان برای مدتی توانستند کویت، قطر و بحرین را به زیر نفوذ خود درآورند. به پاساس همین گسترش نفوذ، نام «خلیج بصره» را برای نشان دادن رقابت با ایرانیان اختراع کردند. بدیهی است پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی این رقابت پایان گرفت و خود به خود بهانه‌هایی که سبب تغییر دادن نام‌های جغرافیایی بود هم از میان رفتند. در نتیجه مطرح ساختن آن نام‌های ساختگی از سوی ترکیه در حال حاضر ناشی از یک برخورد غیرعملی و غیراخلاقی است. افزون بر این، موجودیت ترکیه کنونی بر این اساس پایه‌ریزی شده که قرار است کشوری با یک هویت تازه و متفاوت با عثمانی در صحنه جهانی حضور داشته باشد ولی ظاهراً دولتمردان این کشور گهگاه این اصل را فراموش می‌کنند. «

در پایان باید به سه مورد تأسف‌بار در داخل ایران نیز اشاره کرد: ۱ – خبرگزاری میراث فرهنگی در تارنمای خود بخش ویژه و جالبی درباره خلیج پارس تشکیل داده بود. این بخش چندین ماه است که از تارنمای این خبرگزاری حذف شده است. ۲ – در شیراز به جای یک بلوار، دو بلوار در دو منطقه مختلف از شهر به نام خلیج فارس نامگذاری شده است! و روی تابلوی ورودی یکی از این بلوارها Persion Gulf به جای Persian Gulf درج شده است. ۳ – در گزارشی درباره نیروی دریایی پاکستان که خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) در روز دوشنبه ۲۴ آوریل ۲۰۰۶ به زبان انگلیسی در تارنمای خود قرار داد، عبارت Arabian Gulf به کار برده شده بود. در همان روز تمام تلاش هالم برای تماس با خبرگزاری بی‌ثمر ماند و این خبر نیز چند روز بعد ناپدید شد.

***سختگیری سازمان خلیج پارس در ایران**